

برنامه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برای چه مبارزه می‌کنیم؟

** سرمایه‌داری مسبب اصلی مصیبت‌های اجتماعی و بدبختی‌های مردم جهان و از جمله ایران است.

** اساسی‌ترین شرط موجودیت و حاکمیت طبقه سرمایه‌دار، انباشته شدن ثروت در تملک خصوصی، تشکیل سرمایه و افزایش آن است. شرط افزایش سرمایه، استثمار نیروی کار؛ و تنها هدف سرمایه‌دار، سود است. در جامعه سرمایه‌داری اکثریت جمعیت تا زمانی می‌توانند زندگی کنند که کاری پیدا کنند، و فقط زمانی کاری پیدا می‌کنند که کارشان بر سرمایه بیفزاید. بر این اساس، سرمایه‌داری انسان را به بردگی درمی‌آورد و بشریت را در مقابل سود به گروگان می‌گیرد.

** تنها راه رهایی انسان از بردگی سرمایه، سوسیالیسم است. سوسیالیسم عبارت است از حاکم شدن واقعی اکثریت جمعیت بر جامعه، بر زندگی و سرنوشت خود؛ انتقال مالکیت خصوصی و وسائل تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی؛ برنامه‌ریزی عقلانی تولید و مصرف؛ و تبدیل جامعه سرمایه‌داری با طبقات و دشمنی‌های طبقاتی‌اش به جامعه‌ای که در آن، تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل آزادانه همگان باشد. دستیابی طبقه کارگر به حاکمیت سیاسی، نخستین شرط برقراری سوسیالیسم است.

** سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمانی کمونیستی است که برای برانداختن سرمایه‌داری و پیروزی سوسیالیسم مبارزه می‌کند. سوسیالیسمی که ما برای آن مبارزه می‌کنیم تنها می‌تواند در چهارچوب جامعه‌ای مستقر شود که در آن اراده و کنترل مشترک، برابر و دمکراتیک زنان و مردان از همه ملیتهای ایران بر سیاست و اقتصاد کشور مسلط بوده و درعین تلاش برای شکوفائی اقتصاد، حفظ محیط زیست را مد نظر دارد.

ادعای ما علیه سرمایه‌داری

**** سرمایه داری در طول قرن‌ها تغییرات زیادی کرده است، اما اساس آن که مالکیت خصوصی و تعقیب سود است، عوض نشده و تکامل آن بر همین اساس صورت گرفته است. سرمایه داری هرچه بیشتر دوام آورده، ثروت و امکانات بیشتری در دست اقلیت کوچکتری از سرمایه داران انباشته شده و زندگی و سرنوشت اکثریت هرچه عظیمتری از جمعیت به افزایش بازهم بیشتر سرمایه در دست اقلیتی وابسته شده است. سرمایه‌های بزرگ، سرمایه‌های کوچکتر را بلعیده‌اند و قوی‌ترین سرمایه داران، بزرگترین رشته‌های تولیدی، تجاری و مالی را به انحصار خود درآورده و امپریالیسم، یعنی امپراتوری سرمایه بر جهان را بوجود آورده‌اند. انحصارات امپریالیستی در رقابت بین خود بر سر تصاحب بیشترین بازارهای دنیا، جهان را با انسانها و ثروت‌هایش دوبار در کوره جنگی عالمگیر به خاکستر تبدیل کرده‌اند. از دل این خاکسترها غول‌های هزارپای بمراتب عظیمتری سر برآورده‌اند که هر یک به تنهایی انحصار مرکب چندین رشته تولیدی، تجاری و مالی را قبضه کرده‌اند. اما حرص سود و افزایش بازهم بیشتر سرمایه، با تبدیل شدن به قدرت انحصاری یک کشور سیراب نشده، و از بهم پیوستن انحصارات کشورهای مختلف، انحصارات فراملیتی بوجود آمده‌اند که رقابت و کشمکش در بین آنها برای بلعیدن یکدیگر هنوز ادامه دارد.**

**** سرمایه داری علیرغم آنکه مناسبات و قیدوبندهای اجتماعی وابسته به آنرا از هم گسست تا بتواند همه انسانها را صرفنظر از جنس و نژاد و ملیت آن بصورت کالا به بازار آورد. اما ولع سیری ناپذیر سرمایه برای کسب سود و افزایش خود، سرمایه داری را برآن داشته که تبعیض جنسی و کهنتری زن را بمثابة عوامل کاهش ارزش نیروی کار و افزایش سود بازسازی کند، مناسبات خانوادگی را براساس مناسبات پولی بنفع سرمایه سازماندهی نماید، جنسیت را در خدمت کسب سود قرار دهد و برای کاهش مخارج دولت سرمایه دار در مقابل برنامه‌های رفع تبعیض جنسی مقاومت کند. علاوه برآن سرمایه داری جهانی در جهت منافع خود با عقب مانده‌ترین حکومت‌های ماقبل سرمایه داری و قوانین ضد زن آن‌ها سازش کرده**

است. در مجموع با تغییرات ساختاری در ترکیب نیروی کار در دهه‌های اخیر و بهره‌برداری سرمایه‌داری از تداوم تبعیض جنسی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، اکنون تبعیض جنسی و کهنتری زن در ساختارهای درونی سرمایه‌داری تعبیه شده است، بطوریکه برای مبارزه همه‌جانبه و زود اثر با مردسالاری دیگر نمیتوان تنها بر برابری صوری در قانون اکتفا کرد، بلکه باید با سرمایه‌داری درگیر شد.

**** انحصارات فراملیتی، حوزه‌های اصلی علوم، تحقیقات، تکنولوژی جدید و بخش اعظم مالیه جهان را یعنی کلید اقتصاد جهان و شریان تمام بشریت را در دست گرفته‌اند. انحصارات فراملیتی که تعدادشان بسیار اندک است، سلاطین خودکامه و بلکه خدایانی قادر مطلق هستند که مرگ و زندگی و مقدرات نوع بشر و حتی طبیعت را در دستان خود گرفته‌اند و دنیا را از نگاه خود به هر سوئی که سودشان ایجاب می‌کند می‌رانند، بی آنکه به هیچ قدرتی حساب پس دهند، یا هیچ قانونی، هیچ ملتی و هیچ دولتی در جهان امکان کنترل آنها را داشته باشد.**

**** سرمایه‌داری جهانی با جوش دادن صنعت و تجارت و مالیه به یکدیگر و در دست گرفتن انحصار همه آنها در جهان، بازار بین‌المللی را بصورتی درآورده است که هر بازار ملی سرمایه‌داری بدون پیوند با آن محکوم به خفگی است و در پیوند با آن هم تابع منافع انحصارات و وابسته به نوسانات این بازار است. انحصارات بزرگ مالی با قبضه مالیه جهان در دست خود حرکت سرمایه را در دنیا اداره می‌کنند و بر حسب منافع انحصارات و شرکتهای چند ملیتی، تصمیم می‌گیرند کدام کشور در چه زمینه‌ای پیشرفت کند یا عقب بماند؛ چه میزان سرمایه و چه سهمی از دانش و تکنولوژی در اختیارش گذاشته شود یا نشود؛ و سیاست‌های مالی، صنعتی و عمرانی اش چگونه باشد یا نباشد.**

**** سرمایه‌داری نه بدنبال نیازهای انسان، بلکه همیشه بدنبال سود میدود و فقط وقتی به فکر نیازمندیهای انسان می‌افتد که رفع این نیازها به افزایش سرمایه خدمت کند. علیرغم برنامه‌ریزی، هرج و مرج و ناموزونی در کل اقتصاد جهانی در اشکال جدیدی بازتولید**

شده و گسترش یافته است. سرمایه انگلی از این شاخه تولید به آن شاخه تولید فرار نمی کند، بلکه اساساً از تولید فرار می کند و به نزول خوری، رباخوری، بورس بازی و دلالی روی می آورد و به سودهای افسانه ای دست می یابد بی آنکه ارزشی ایجاد کند. امروزه جهان به قمارخانه انحصارات مالی، و تمام بشریت به بدهکاران آنان تبدیل شده است.

****** وامهای انحصارات مالی به کشورهای عقب مانده (که با ظاهر غلط انداز کمک به پیشرفت آنها صورت می گیرد) یکی از مهمترین وسائل غارت این کشورها هستند. این وامها که محل خرج آنها تابع سیاستهای خود انحصارات است، بیشتر صرف خرید تسلیحات از خود امپریالیستها، صرف نگهداری و تقویت دستگاههای نظامی، پلیسی، امنیتی و اداری رژیمهای سرکوبگر و مرتجع، و صرف ریخت و پاش ها و پروار شدن سرمایه داران انگل همین کشورها می شوند. این کشورهای مقروض مجبور می شوند که سرمایه گذاری تولیدی و عمرانی و بودجه های آموزشی و بهداشت و تغذیه را پائین بیاورند و به معادن و جنگلها و ثروتهای طبیعی شان چوب حراج بزنند تا بلکه بتوانند فقط بخشی از بهره کمرشکن این وامهای خانه خراب کن را بپردازند بی آنکه هنوز از بازپرداخت ذره ای از قسط اصل وامها صحبتی درمیان باشد .

****** گسترش سرمایه داری در کشورهای عقب مانده که به زور امپریالیسم و در زیر سرنیزه دولتهای این کشورها صورت گرفته است، هزاران میلیون تولیدکننده کوچک شهری و روستائی را از تولید سنتی کنده است، بی آنکه رشد انگلی سرمایه در این کشورها برای اکثریت عظیم آنان کاری ایجاد کند. سرمایه داری صدها میلیون دهقان را در جهان به امید یافتن کاری و لقمه نانی آواره ساخته و آنان را مثل زباله در گودهای بیرون شهرها تلنبار کرده است. سرمایه داری نه فقط نیروی کار بسیار ارزان این کشورها را با شدت هرچه تمام استثمار می کند، بلکه اقیانوسی از جمعیت را هم که حتی استثمارشان را سودآور نمی بیند، به محرومیت دائمی از کار، از نان بخور و نمیر، از سرپناه، از حداقل آموزش و بهداشت و درمان، و به دست و پا

زدن نومیدانه در جهنم هولناک فقر، بیماری، گرسنگی، فحشاء، اعتیاد، و سرانجام به مرگ زودرس محکوم می‌کند.

** سرمایه‌داری برای حفظ سلطهٔ انحصارات بر جهان؛ برای از پا درآوردن کشورهای آزاد شده از حاکمیت سرمایه؛ و برای در زنجیر نگه داشتن کشورهای تحت سلطه، اقتصاد جهان را بکلی نظامی کرده است. تحمیل بیش از نیم قرن مسابقهٔ تسلیحاتی به کشورهای سوسیالیستی برای شکستن کمر اقتصاد آنها؛ ایجاد پایگاهها و پیمانهای نظامی تجاوزگر؛ مداخلات مستقیم و غیرمستقیم نظامی؛ تحریکات و آتش‌باری در جنگهای منطقه‌ای؛ مسلح کردن رژیمهای فاشیستی و نژادپرست و شورشیان ضدانقلابی به جدیدترین سلاح‌ها، و انتقال مسابقهٔ تسلیحاتی به میان کشورهای درحال توسعه، همزادی سرمایه‌داری و نظامیگری را نشان می‌دهد. بهره‌برداری از ناسیونالیسم و نژادپرستی؛ جدائی انداختن بین ملتها و دامن زدن به تعصبات ملی، قومی و مذهبی هم‌وسائلی هستند که امپریالیسم بکمک آنها، هم تفرقه ایجاد می‌کند، و هم بازار اسلحه را (که از بزرگترین منابع سود انحصارات است) گرم نگه‌میدارد.

** سرمایه‌داران در ولع سود و افزایش سرمایه، نه فقط شرایط اجتماعی زندگی انسان، بلکه حتی محیط طبیعی زندگی او را به نابودی می‌کشند. زمین برای آنان خانهٔ مشترک همهٔ انسانها نیست بلکه وسیله‌ایست شخصی که خدا برای کسب سود به آنان بخشیده است. آنان زمین را مثل اناری می‌جووند و تفالهٔ بی‌مصرف و بدمنظرش را جلوی نسلهای امروز و فردای بشر تُف می‌کنند. اگر بلایای طبیعی هر از چندگاه مصائب سرمایه‌داری را تکمیل می‌کنند، سرمایه‌داری خود به بلائی برای طبیعت تبدیل شده است.

** سرمایه‌داری نه تنها با تقسیم دنیا به دو قطب ثروت و پیشرفت، و فقر و عقب‌ماندگی و رویارویی این دو قطب، بشر را به آستانهٔ بربریت کشانده است، بلکه اکنون در قطب پیشرفته نیز زندگی اکثریت مردم را دچار مشکلات روزافزونی کرده است. با بین‌المللی شدن هرچه بیشتر سرمایه و اوجگیری بحران مالیهٔ بین‌المللی، نظارت دولت بر حرکات سرمایه عملاً ناممکن می‌گردد و دمکراسی و

خدمات اجتماعی دولت که در دوره بعد از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری قوام یافته زیر تعرض سرمایه مالی قرار میگیرند. به این ترتیب رشد سرمایه داری به آنچه از جانب خود سرمایه داران "جامعه رفاه و دمکراسی" نامیده میشود، اعلان جنگ می دهد.

* * سرمایه، آنجا که از تولید می گریزد، بیکاری تولید می کند، آنجا هم که سودی در تولید سراغ میکند، از تکامل تکنولوژی یعنی اتوماتیک شدن و پیچیده تر شدن ماشین ها - بجای کاهش ساعات کار و بجای افزایش اشتغال و دستمزد و تولید و رفاه مردم، برای اخراج و بیکارسازی توده ای کارگران شاغل استفاده میکند. عوارض بیکاری چندین میلیونی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم اکنون بصورت بحران بی آیندگی جوانان، گسترش اعتیاد، الکلیسم، قاچاق، فحشاء، بیماریهای روانی و خودکشی و افزایش بزهکاری از یکسو، و اوج گیری گرایشات فاشیستی، نژادپرستی، خصومت با کارگر مهاجر، افزایش دستجات و احزاب رسمی و غیررسمی نئونازی و نفوذ سیاسی و اجتماعی رشدیابنده آنان دیده می شود. زندگی کارگران خارجی و مهاجرین رنگین پوست (که اولین قربانیان بیکاری هستند) در مجتمع ها و شهرک های جداگانه مخصوص مهاجرین و رنگین پوستان، ترکیب شرم آوری است از زاغه نشینی جهان سومی و آپارتاید آفریقای جنوبی در پایتخت های "تمدن" سرمایه داری. همراه با افزایش بی وقفه قیمت ها و مالیات بردرآمدهای زحمتکشانشان، تعرض به دستمزدها شدت می گیرد. گدائی در معابر عمومی گسترش می یابد؛ و در حالیکه هر روز بر تعداد ساقط شوندهگان به زیر خط فقر و نیازمندان کمکهای اجتماعی دولت افزوده می شود، سیاست کاهش این کمکها با سرعت بیشتری به اجرا درمی آید. اتحادیه های کارگری زیر ضرب قرار می گیرند و سیاست زدائی می شوند؛ پارلمانها بیش از هر زمانی نقش دستگاه قانونگذاری انحصارات را بازی می کنند. با سلطه انحصارات بر مراکز خبری، اخبار و اطلاعات بطور روزافزونی از فیلتر منافع انحصارات می گذرند و آزادی اخبار و اطلاعات معنای خود را بکلی از دست میدهد. بموازات این تعرض همه جانبه به شرایط

زیست مردم و به پایه‌های دمکراسی از جانب سرمایه، فضای پلیسی هرچه غلیظ‌تر، و نیاز به خشونت، بیشتر می‌شود. الگوی سوسیال‌دمکراسی برای "رفاه و دمکراسی" بهمراه خود سوسیال‌دمکراتها، به آخر خط رسیده است. سایه ابرهای توفانی، جزایر "خوشبختی و آزادی" را در محاصره اقیانوسهای عاصی فلاکت، در تاریکی فرومی‌برد.

** امروز که جهان به عالیت‌ترین سطح علمی و فنی رسیده و بی‌سابقه‌ترین امکانات برای تأمین زندگی مرفه و سعادت‌مند تمام مردم روی زمین بوجود آمده است، مالکیت خصوصی بیش از هر وقت دیگری در تاریخ، تولیدکنندگان و مردم جهان را از تملک محصولات دسترنج خود و از دسترسی به امکاناتی که آفریده‌اند محروم کرده است. ثروت و امکاناتی به این بیکرانی در دست اقلیتی به این کوچکی هیچوقت جمع نبوده است. هرگز سلب مالکیتی اینچنین مطلق از اکثریتی به این بیشماری صورت نگرفته است. نجات جامعه انسانی از فلاکت، هرگز به اندازه امروز نیازمند سلب مالکیت از سلب مالکیت‌کنندگان از مردم، و برنامه‌ریزی عقلانی تولید و مصرف نبوده است.

بعلت رانده شدن بخش عظیمی از زنان به صفوف محرومترین مزدبگیران و محرومیت اکثریت عظیمی از زنان بویژه در کشورهای توسعه نیافته از کار، و تحمیل کار خانگی بدون مزد، حل مسائل زنان بیش از هر زمان دیگر مستلزم کوتاه کردن دست سودجویان سرمایه‌دار شده و جنبش آزادی و برابری زنان به نزدیکترین متحد طبیعی جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری تبدیل شده است. از اینرو سازماندهی توده زنان کارگر و زحمتکش برای کسب حقوق خود، ستون اصلی جنبش رهائی زن را تشکیل میدهد.

دوام و پیشرفت سرمایه‌داری زندگی تعداد هرچه بیشتری از جمعیت را وابسته به مرگ سرمایه‌داری می‌سازد. سرمایه‌داری در طول حیاتش هرگز خود را به محاصره جمعیتی به این عرض و طول از گورکنان خود نینداخته است. برآستی که ارتش گورکنان سرمایه‌داری دچار اضافه جمعیت است! سرمایه‌داری بیش از هر چیزی گورکنان

خود را تولید می‌کند. جهان هرگز به اندازه امروز نیازمند و تشنه سوسیالیسم نبوده است. ضرورت سوسیالیسم را سرمایه‌داری هر روز بازتولید می‌کند.

** سرمایه‌داری هر اندازه که جهانی شده، پرولتاریا را به طبقه‌ای جهانی تبدیل کرده است؛ استثمار و بحران سرمایه‌داری را جهانی کرده است. زمینه‌های انقلاب سوسیالیستی و وسائل بیداری و آگاهی کارگران را جهانی کرده است. البته که طبقه کارگر هر کشور اول باید کار طبقه سرمایه‌دار کشور خود را یکسره کند. اما مبارزه طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌دار، یک مبارزه بین‌المللی است. با پیدایش و سلطه امپریالیسم و انحصارات فراملیتی بر جهان، ضرورت مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر علیه طبقه جهانی سرمایه‌دار، و اهمیت اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران، از هر زمان دیگری در تاریخ سرمایه‌داری برجسته‌تر و حیاتی‌تر شده است.

مبارزات طبقه کارگر از انقلاب کبیر اکتبر به اینسو، در کشورهای متعددی به سرنگونی طبقه سرمایه‌دار، لغو مالکیت خصوصی، و به تولید بر پایه برنامه‌ریزی دست یافت. این پیروزیهای عظیم تاریخی دستاوردهای بسیاری را به‌مراه آوردند. اما اساساً در نتیجه لگدمال شدن دموکراسی سوسیالیستی، یعنی بخاطر مسلط نشدن اراده و کنترل توده مردم بر دولت و اقتصاد، نتوانستند به شکوفائی ظرفیتهای بیکران اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم منجر شوند و کشورهای رها شده از زنجیر سرمایه، بخاطر شکنندگی اوضاع اقتصادی و سیاسی داخلی، زیر فشار طولانی و نیرومند اقتصادی و نظامی سرمایه بین‌المللی از پا درآمدند. تجارب عظیم این پیروزیها و ناکامیها، سرمایه طبقه کارگر در پیکارهای ناگزیرش برای پیروزی حتمی سوسیالیسم بر سرمایه‌داری را غنی‌تر خواهد کرد. نبردهای بزرگتر در پیش روست و پیروزی نهائی با سوسیالیسم است.

سرمایه‌داری و استبداد در ایران

** طبقه کارگر ایران، گردانی از ارتش جهانی کارگران است که

مبارزه علیه سرمایه داری جهانی را از طریق مبارزه برای برانداختن حاکمیت سرمایه در ایران به پیش می برد.

** سرمایه داری در ایران که در وابستگی به انحصارات بین المللی، به نظام تولیدی مسلط در ایران تبدیل شده است، هم مشخصات عمومی سرمایه داری، و هم ویژگیهای ناشی از جایگاه عقب مانده آن در بازار جهانی سرمایه را داراست. ثمره تسلط سرمایه داری، تسلط مستی سرمایه دار بشدت انگل صفت؛ تسلط عقب ماندگی و نابسامانی اقتصادی؛ تسلط خانه خرابی، بیکاری، بی سرپناهی، بی سوادی؛ تسلط بی حقی همگانی؛ تسلط اختناق و استبداد و شکنجه و جوخه های اعدام بر ایران بوده است. انقلاب توده ای سال ۵۷ محصول سلطه سرمایه داری، و برضد آن بود. اما این انقلاب شکست خورد. زیرا استبداد رژیم سلطنتی و دیکتاتوری خشن سرمایه، به کارگران ایران امکان نداده بود تا بعنوان یک طبقه در برابر طبقه سرمایه دار متشکل شوند و تهیدستان شهر و روستا را که توسط سرمایه خانه خراب شده اند، بدور خود جمع کنند. از طرف دیگر، رهبری ارتجاعی روحانیت بر انقلاب و حاکم شدن رژیم جمهوری اسلامی هم میوه زهرآگین درخت سلطنت بود که بخاطر سرکوبگری و ارتجاعیت ذاتی اش جز مذهب و مسجد، هر فکر و هر سازمانی را که بکمک آنها بتوان مردم را جمع و رهبری کرد، کوبیده و به زنجیر کشیده بود. رژیم جمهوری اسلامی با قرار دادن مذهب در جایگاه حکومتی، سیاه ترین استبداد را بر مردم ایران حاکم ساخت؛ خود را رسماً و آشکارا دشمن هر نوع دموکراسی اعلام کرد؛ حقوق مدنی و آزادیهای فردی را حتی در چهاردیواری خانه ها از بین برد؛ آزادیهای سیاسی و حقوق بشر را بطور کامل زیر پا گذاشت؛ ضمن پاسداری خونین از سرمایه داری، ارتجاعی ترین اشکال مالکیت و قوانین شرعی را هم به خدمت آن درآورد و به این ترتیب، هم کشور را به پرتگاه ورشکستگی و نابودی کشانید، و هم بی حقوقی سیاسی و اجتماعی و فلاکت اقتصادی مردم را نسبت به قبل از انقلاب، بمراتب شدت داد. آپارتاید جنسی از بنیادهای نظری جمهوری اسلامی است که به کمک فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه سنتی ما به سرکوب زنان در

ایران قانونیت بخشید.

** رژیم جمهوری اسلامی مقدمترین مانع در راه هرگونه تحول در ایران در جهت حقوق بشر، رفع ستم جنسی، آزادیهای سیاسی، دموکراسی، و رهایی مردم از چنگال طبقه سرمایه دار است. این مانع، فقط از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب توده‌ای میتواند از پیش پا برداشته شود.

برنامه ما برای آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم در ایران

** مجلس مؤسسان متکی بر انقلاب که با رأی آزادانه تمام مردم دعوت شود و حکومت را به اکثریت جمعیت کشور منتقل کند، نخستین تجلی آرای عمومی و بهمین دلیل نخستین سنگ بنای دموکراسی خواهد بود.

دموکراسی، یعنی حکومت اکثریت مردم، در صورتی میتواند برقرار شود که همه شهروندان کشور، به یکسان و بدون استثناء از آزادیهای سیاسی کامل برخوردار شوند. برای آنکه آزادیهای سیاسی کامل و حکومت اکثریت مردم معنای واقعی داشته باشند؛ برای آنکه هر نهاد و مقام و شخصیتی تابع قانون باشد و هر قانونی محصول رأی و اراده عمومی مردم باشد، باید کارگران یعنی تمام کسانی که فقط از طریق فروش نیروی کارشان زندگی می‌کنند، تهیدستان، خانه خرابان و اقشار کم‌بضاعت، که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بتوانند امتیازات رسمی و عملی سرمایه داران، ملاکان و بلندپایگان دولتی و غیردولتی را براندازند و اداره همه امور کشور را واقعاً بدست گیرند؛ و این جز با درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری، یعنی همه دستگاههای نظامی و انتظامی و امنیتی که برای سرکوب اکثریت و مطیع نگهداشتن آن بوجود آمده‌اند و همه دستگاههای اداری که برای دور نگهداشتن اکثریت زحمتکش از قدرت سیاسی ایجاد شده‌اند، و ایجاد نهادهای دولتی متناسب با اصل حاکمیت اکثریت و خود حکومتی مردم بجای آنها، امکان پذیر نیست.

سوسیالیسم فقط برپایه همین دموکراسی واقعی، یعنی همین

خودحکومتی مردم و فرمانروائی اکثریت استثمار شده بر اقلیت بهره کش می تواند شکل بگیرد. این دموکراسی کامل، از تعریف سوسیالیسم و از هدفهای آن جدائی ناپذیر است و بدون آن، پیروزی هدفهای اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم ناممکن می شود.

** مبارزه برای سوسیالیسم در ایران جدا از مبارزه برای رهایی زن نیست، چرا که انقلاب سوسیالیستی به خودی خود رهایی زن را تحقق نمی بخشد و دموکراسی سوسیالیستی هنگامی میتواند تحقق یابد که زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل میدهند نه تنها از حقوق برابر در قانون برخوردار باشند بلکه بطور مساوی با مردان در قدرت سیاسی شرکت داشته باشند.

** برای علاج بیماری مزمن و آشفتگی بحرانی اقتصاد ایران، برای تحکیم پایه های دموکراسی و حاکمیت مردم، و برای نجات مردم از بی عدالتی و فلاکت اقتصادی، راهی جز انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم وجود ندارد. این انتقال باید با انعطافهای لازم برای افزایش باروری تولید، افزایش رفاه و بالا رفتن قدرت اقتصادی کشور و امکان پایداری آن در مقابل خرابکاریهای بازار بین المللی سرمایه و فقط با تکیه بر اراده آزاد اکثریت مردم صورت بگیرد. در دوره انتقال فقط لازم است بخشهای بزرگ و حیاتی اقتصاد کشور به مالکیت اجتماعی منتقل شوند و مالکیتهای کوچک تحت هیچ شرایطی نباید اجباراً ملغی گردند.

مالکیت اجتماعی باید اشکال متنوع دولتی، غیردولتی، تعاونی، کشوری و منطقه ای داشته باشد. انتقال به مالکیت اجتماعی و برنامه ریزی و هدایت تولید، بمعنی از بین رفتن بازار نیست.

** سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) معتقد است که برای تأسیس یک جمهوری واقعاً دموکراتیک و مردمی و برای پی ریزی یک اقتصاد سالم و در خدمت همه مردم، مجلس مؤسسان باید درخواستهای فوری زیر را پایه تدوین قانون اساسی نوین ایران قرار دهد.

سیاست

- انتقال تمامی قدرت سیاسی به شورای عالی نمایندگان منتخب همه مردم.
- خودحکومتی وسیع همه مردم از طریق نهادهای حاکمیت توده‌ای در تمام سطوح و حق نمایندگان آنها برای کنترل، تصویب و اجرای قوانین.
- حق رأی همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای همه شهروندانی که به سن ۱۸ سالگی رسیده‌اند، در انتخابات همه ارگانهای دولتی و توده‌ای و محلی.
- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اخبار و اطلاعات، اجتماعات، اعتصابات... و تشکلهای سیاسی و صنفی. آزادی افراد در انتخاب پوشش، شغل، محل سکونت، و مسافرت در داخل یا به خارج از کشور.
- برابری حقوق کلیه شهروندان در برابر قانون، صرفنظر از جنسیت، ملیت، نژاد و اعتقادات سیاسی. مصونیت قانونی هر فرد در محل سکونت او. حق همه افراد برای تعقیب قانونی هریک از مقامات از طریق مجاری عادی قضائی و در برابر هیئت منصفه.
- انحلال کلیه دستگاههای سرکوب و سازمانهای اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی. ممنوعیت هر نوع شکنجه تحت هر عنوان. لغو مجازات اعدام.
- ممنوعیت حکومت ایدئولوژیک. جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت. جدائی کامل دستگاههای مذهبی و مسلکی از نظام آموزشی کشور. الغاء مذهب رسمی. ممنوعیت هرگونه کمک دولتی به مؤسسات مذهبی و فعالیتهای آنها. آزادی همه افراد در داشتن یا نداشتن مذهب، و آزادی آنها در تبلیغات مذهبی یا ضدمذهبی.
- حق همه ملت‌های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خود، از جمله جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل. خودمختاری هریک از ملت‌ها که با تمایل آزادانه خود در یک مجموعه جمهوری فدراتیو متحد میشوند.

- آزادی کامل آموزش به زبان مادری در مدارس و دانشگاه ها و تکلم به زبان مادری در ادارات مناطق خودمختار محلی. آموزش زبان فارسی بعنوان زبان مشترک و وسیله ارتباطی کلیه ملل ساکن ایران.
- تشکیل نیروهای مسلح مردمی تحت فرمان شورای عالی نمایندگان منتخب مردم، و ایجاد توانائی کافی در توده های مردم برای دفاع از حاکمیت خود. قرار گرفتن پلیس انتظامی در تحت فرمان عالیترین شورای نمایندگان منطقه ای یا محلی مردم.
- الغاء هر نوع دیپلماسی سری.
- برقراری مناسبات بین المللی برپایه برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خود؛ همزیستی مسالمت آمیز بین دولت ها؛ حمایت از جنبش های کارگری و دمکراتیک و رهائی بخش ملی جهان؛ و دفاع از دمکراسی، آزادیهای سیاسی و حقوق بشر.
- حمایت از جنبشهای فمینیستی مترقی و حمایت از تشکل مستقل زنان جهت کسب آزادی و برابری و پیگیری مطالبات خود چه در جامعه سرمایه داری و چه در شرایط گذار به سوسیالیسم.
- دفاع از خلع سلاح کامل هسته ای و شیمیایی و انحلال پیمان های تجاوزگر و پایگاه های نظامی. تلاش برای لغو امتیازات ویژه و اعمال نفوذ قدرت های بزرگ در سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین المللی.

اقتصاد

- برقراری مالکیت اجتماعی در کلیه مواضع کلیدی اقتصاد اعم از بانکها، مؤسسات بیمه و نهادهای مالی و اعتباری، تولیدی، بازرگانی و خدماتی. مصادره کلیه مؤسسات و منابع تولیدی و خدماتی متعلق به دولت جمهوری اسلامی یا سرمایه داران و ملاکان بزرگ، یا مؤسسات اسلامی. مصادره املاک، مستغلات، مجتمع های مسکونی و خانه های اضافی متعلق به سرمایه داران و مالکان بزرگ. ملی کردن زمین. این اقدام بمنظور جلوگیری از بورس بازی روی زمین

- و برای پائین آوردن قیمت ساختمان و اجاره بها صورت میگیرد و بهیچوجه حق بهره‌برداری تولیدی از زمین یا حق ساختمان کردن یا اجاره دادن ساختمان را از کسی سلب نمی‌کند.
- برقراری نظارت دولتی بر تجارت خارجی.
- برقراری مدیریت کارگری، یعنی شرکت همه کارکنان هر بنگاه اقتصادی در اداره آن، جز در بنگاههایی که بخاطر ویژگی یا موقعیت انحصاریشان مدیریت آنها باید از طرف نهادهای حکومتی سراسری یا منطقه‌ای تعیین گردد، و جز در بنگاههای اقتصادی کوچک.
- تضمین حق تشکل‌های مستقل مردمی برای نظارت‌های لازم جهت دفاع از منافع مصرف‌کنندگان.
- آزادی مالکیت خصوصی در مقیاس بنگاههای اقتصادی کوچک.
- برقراری مالیات تصاعدی بردرآمد، ثروت و ارث.

رفاه عمومی

- حق هر خانواده برای داشتن یک مسکن مناسب و اقدامات زیر در جهت تأمین این حق:
- واگذاری مساکن مصادره شده از سرمایه‌داران و ملاکان بزرگ و ساختمانهای زائد دولتی به ارگانهای خودحکومتی مردم برای اسکان خانواده‌های بی‌سرپناه.
- واگذاری زمین، وام و تسهیلات به کارگران، زحمتکشان و کارمندان کم‌درآمد برای تهیه مصالح ساختمانی و ساختن مسکن.
- کنترل اجاره‌بهای مسکن توسط ارگانهای خودحکومتی مردم.
- پرداخت کمک هزینه مسکن به افراد و خانواده‌های بی‌بضاعت.
- لغو قوانین مربوط به تخریب زاغه‌ها و آلودگیها تا هنگام تأمین مسکن مناسب برای ساکنان آنها.
- حق هر فرد برای آموزش و پرورش، و اقدامات زیر در جهت تأمین این حق:
- اجباری بودن آموزش و پرورش تا پایان دوره ابتدایی،

تحصیل رایگان حداقل تا پایان دوره متوسطه.

• ریشه کن کردن بیسوادی بزرگسالان با ایجاد امکانات و تسهیلات تشویقی.

• پرداخت وام برای ادامه تحصیلات به افراد کم درآمد.

*** حق تندرستی همگان، و اقدامات زیر در جهت تأمین این

حق:

• بیمه بهداشتی و درمانی رایگان برای افراد و خانواده‌های کم درآمد، و برای دیگران درمقابل پرداخت حق بیمه متناسب با درآمد.

• کنترل بهای دارو و خدمات بهداشتی و درمانی.

• پیشگیری از بیماریهای مسری.

• وضع مقررات بهداشتی برای کلیه مراکز عمومی از قبیل

کارخانجات، مدارس، محلات و غیره.

• وضع قوانین و استانداردها برای جلوگیری از آلودگی محیط

زیست.

• کنترل اجرای کامل مقررات و استانداردهای فوق توسط

سازمانهای توده‌ای.

• تعمیم امکانات و تسهیلات و افزایش تأسیسات ورزشی برای

عموم.

• کنترل رشد بی‌رویه جمعیت، و برنامه‌ریزی مناسب برای مهار

آن.

*** حق کار برای نیروی کار کشور، و در این رابطه :

• ایجاد اشتغال برای مردم.

• رفع موانع تبعیضی برای اشتغال زنان.

• ممنوعیت اشتغال برای افراد کمتر از ۱۶ سال.

• پرداخت بیمه بیکاری به تمام اشکال کار مزدبگیری.

کارگران

• تصویب فوری قانون کاری که در آن دو اصل اساسی حق بی قید

و شرط کارگران برای ایجاد تشکلهای مستقل از دولت، و حق اعتصاب صراحت داشته باشد. این قانون باید با مشارکت سازمانهای صنفی و سیاسی کارگری تهیه شود.

- شمول قانون کار بر تمامی کارگران بخش خصوصی، بخش اجتماعی (اعم از دولتی و غیردولتی)، صنعتی، کشاورزی، خدماتی، دائمی، استخدام موقت، فصلی، چادرنشینی، سیار، کارگران منازل، مستخدمین ادارات، شاگردان مغازه ها و غیره.

- تشکیل دادگاههای کار در تمام رشته های اقتصادی؛ و تعقیب قانونی کارفرمایانی که قانون کار را نقض کنند.

- حداکثر کار روزانه ۸ ساعت. دو روز تعطیل پی در پی در هفته و سی روز مرخصی سالیانه با پرداخت حقوق.

- رسمیت و قانونیت یافتن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) هر سال بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگران و تعطیل رسمی با پرداخت حقوق؛ و نیز حق کامل کارگران برای برگزاری مستقل تظاهرات، تجمعات و سخنرانی ها به این مناسبت.

- طبقه بندی مشاغل، و تعیین حداقل دستمزد براساس هزینه معیشت یک خانواده پنج نفره.

- برابری دستمزد زنان و مردان برای کار مساوی.

- بیمه های اجتماعی کلیه مشمولین قانون کار در مقابل بیکاری، بازنشستگی، از کارافتادگی، بیماری، سوانح کار. مستمری برای پیران و از کارافتادگانی که مشمول قانون کار نبوده اند.

- حق کامل اتحادیه های کارگری برای عضویت در اتحادیه های بین المللی کارگری و شرکت مستقل در مجامع بین المللی.

زنان

- آزادی پوشش، و لغو فوری کلیه تبعیضات بر زنان در رابطه با اشتغال، دستمزد، تحصیل، ازدواج و طلاق، فرزند، خانواده، ارث، ورزش و غیره.

- اختصاص امتیازات ویژه در سطوح مختلف آموزشی و شغلی

بمنظور جبران فشارهای ناشی از موقعیت نابرابر تحمیلی بر زنان در اجتماع.

- حق نمایندگی نسبی در تمام ارگانهای انتخابی برای زنان؛ و در ارگانهای انتخابی مؤسسات، متناسب با میزان اشتغال زنان در آن مؤسسات.

- به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل زنان در سطوح صنفی، محلی، منطقه‌ای و کشوری و حق آنان در تدوین، نظارت و اجرای قوانین.

- تصویب قانون خانواده با مشارکت سازمانهای توده‌ای زنان.

- ممنوعیت ازدواج افراد کمتر از ۱۸ سال. ممنوعیت تعدد زوجات.

- ممنوعیت فحشاء.

- تلاشهای فرهنگی و آموزشی در جهت مبارزه با فرهنگ مردسالاری در تمامی سطوح جامعه.

- تعطیل عمومی روز جهانی زن (۸ مارس).

دهقانان و عشایر

- انتقال حق بهره‌برداری از املاک و زمینهای مصادره شده ملاکین بزرگ در موارد مناسب به دهقانان و عشایر فقیر و میانه حال یا تعاونی‌های آنان.

- لغو بقایای نظام سهم‌بری و نصفه‌کاری؛ لغو بدهی‌های دهقانان و عشایر فقیر و میانه حال به ملاکین و رباخواران.

- حمایت از دهقانان و عشایر فقیر و میانه حال و تشویق آنها به تشکیل تعاونیها و کشت و برداشت یا دامداری جمعی از طریق ارائه ارزان ابزار، ماشین‌آلات، کود شیمیایی، دفع آفات، خدمات تخصصی و آموزشی و وامهای آسان به این تعاونی‌ها و خرید با صرفه محصولات آنان و بیمه محصولات آنها درمقابل سوانح طبیعی.

- کنترل تشکلهای دهقانان بر قوانین ارضی و نظارت بر اجرای کامل آنها.

**** سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) از هر مبارزه ای که در جهت دستیابی به چنین برنامه ای باشد، حمایت می کند.**